

فهرست

روابط بین‌الملل و عصر قدرت ارتباطات و اطلاعات	۱۳
فرهنگ و کارآمدی	۷۹
نظم و قانون و فرهنگ	۱۴۷
فرهنگ و آموزش	۱۸۵
تساهل و تسامح	۲۸۲
تبادل فرهنگی	۳۶۱
گفت‌وگوی تمدن‌ها	۴۲۲
جهانی شدن	۴۶۷
کتاب و مطبوعات	۵۱۳
آموزش و پرورش و فرهنگ	۵۴۷
فرهنگ و سیاست جهانی کنونی	۶۰۳
جغرافیای تاریخی و فرهنگی خلیج فارس	۶۴۲
سیاست و گفت‌وگوی تمدن‌ها	۶۹۷
فرهنگ و مصرف	۷۵۳
روش‌های پیش‌گیری از اتلاف وقت	۷۷۵



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه

خیابان وحدت‌المرأة شماره ۴۸

فکس ۶۶۴۶۳۸۷۵

www.sokhanpub.com

Email: info@sokhanpub.com

فرهنگ و کارآمدی

زیرنظرِ دکتر رضا داوری اردکانی

تنظیم و تصحیح از

کمال اجتماعی جندی

تنهیه فهرستهای سپهر شریفی

چاپ اول: ۱۳۹۱

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: دایره سفید

تیراز: ۱۱۰۰ نسخه

شابک ۶-۶۲۵-۳۷۲-۹۶۴-۹۷۸

مرکز پخش: انتشارات علمی - خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران

شماره ۱۲۲۴ تلفن: ۰۶۶۴۶۰۶۶۷-۰۶۶۴۶۵۹۷

مقدمه

وقتی در اوایل دهه هفتاد، سردبیری مجله نامه فرهنگ به من پیشنهاد شد و پس از مدتی تردید و تأمل آن را با اندکی اکراه پذیرفتم. هشت شماره از مجله منتشر شده بود. رسم خوب مجله این بود که پرسش‌هایی درباره یک مسئله و موضوع خاص برای مطلعان می‌فرستادند و پاسخ آنها را می‌گرفتند و چاپ می‌کردند. من این رویه را با اندکی تغییر ادامه دادم، یعنی به جای اینکه پرسش‌ها را برای اهل نظر بفرستم از آنها دعوت می‌کردم که تشریف بیاورند و درباره مسئله‌ای که عمدۀ صفحات مجله به آن اختصاص می‌یافتد، بحث کنند. برای انتخاب مطلب اصلی هر شماره هم با مطلعان و صاحبان تجربه مشورت می‌کردم. غرض این بود که حتی المقدور مهمترین مسائل مهم جهانی و ملی در نسبتشان با فرهنگ فارغ از ملاحظات غیرعلمی و غیرفلسفی مورد بحث قرار گیرد. در طی مدتی قریب به سیزده سال درباره حدود پنجاه موضوع با حضور دانشمندان و محققان گفتگو شد. در این بحث‌ها دخالت من محدود به طرح پرسش و نظارت بر جریان طبیعی بحث بود. فی‌المثل اگر یکی از شرکت کنندگان دوست می‌داشت که نظر و رأی مهمی را بسی توجه

به همین سادگی بود که این مجموعه چاپ شد. برای چاپ شدن میزگردها می‌بایست چگونگی طبقه‌بندی و ترتیب مطالب نیز معین شود، آسان‌تر این بود که آنها را به ترتیب زمان انتشار در کنار هم قرار دهیم. اما بهتر دانسته شد که تناسب مطالب در هر مجلد رعایت شود و مثلاً گفتگوهای فلسفی در کنار هم قرار گیرد، رعایت خاطر خوانندگان هم همین ترتیب را اقتضا می‌کرد.

اکنون خدا را شکر می‌کنم که این مجموعه منتشر شده است و وظیفه دارم از همه کسانی که مرا در این کاریاری کردند و نامشان به نحو رسمی یا به مناسبت‌های خاص در مجله نامه فرهنگ آمده است و نیز از همه استادانی که دعوت مرا پذیرفته و در مجالسی که گاهی چندین ساعت طول می‌کشید حاضر می‌شدند و مطالب آموختنی می‌گفتند تشکر کنم. از جناب آقای علی‌اصغر علمی مدیر ارجمند انتشارات سخن که با وسعت نظر خود چاپ و انتشار این مجموعه را تقبل کردند و از شاعر و نویسنده فاضل‌گرامی آقای کمال اجتماعی جندقی که نوشه‌ها را آراسته و برای چاپ آماده کرده‌اند و همچنین از همکارانم در فرهنگستان علوم آقای مهندس سیدعلی پژشکی و خانم نسیم وکیلی تشکر می‌کنم.

رضا داوری اردکانی

۱۳۹۱ آذر

به گفته‌های دیگران بیان کند، با اینکه مطبیش البته مفید می‌بود، چون گفته‌اش با گفته‌های دیگر مناسبت نداشت از مجرای اصلی بحث دور می‌افتادیم و همسخنی منتفی می‌شد. البته این اتفاق کمتر روی می‌داد. اگر می‌بینید که من به ندرت سخن را قطع کرده و چیزی پرسیده‌ام و جهش حفظ روال گفتگو بوده است.

در این مجلد و دو مجلد دیگر چنانکه اشاره شد گزارش بیش از پنجاه مجلس بحث گرد آمده است و شاید بتوان این مجموعه را یک دایرة‌المعارف کوچک فرهنگ زمان دانست. مزیت این دایرة‌المعارف این است که در آن آراء گوناگون و احياناً مخالف در هر باب بیان شده و غالباً به تعديل نظرها و تفاهم انجامیده است.

متأسفم که باید بگویم مجله نامه فرهنگ به جهاتی که ذکرش در اینجا ضرورت ندارد چندان مورد استقبال قرار نگرفت تا آنجا که نامش در فهرست مطبوعات و مجلات ایران که توسط کتاب‌شناسان نامدار کشور تهیه شده بود از نظر و قلم افتاد. مع هذا وقتی مجله تعطیل شد تعدادی از همان اندک خوانندگان مجله از توقف انتشار آن اظهار تأسف کردند و مخصوصاً میزگردهای مجله را متضمن مطالب خواندنی دانستند. به این جهت فکر می‌کردم که شاید بد نباشد آنها را در یک مجموعه چاپ کنم؛ اما انتشار یک مجموعه بالتبه حجیم با توجه به مشکلات کار نشر در کشور آسان نبود و پروا داشتم که نشر آن را به ناشری پیشنهاد کنم. تا اینکه یک روز قضیه را به زبان حکایت نزد آقای علی‌اصغر علمی که مثل همه ناشران بزرگ اهل فرهنگند و به کار نشر کتاب، اهمیتی بیش از یک شغل می‌دهند، در میان نهادم و در واقع در دل می‌کردم، اما ایشان بدون اینکه من انتظار و توقع داشته باشم از چاپ و انتشار آن استقبال کردند و

روابط بین الملل و عصر قدرت ارتباطات و اطلاعات*

میزگرد این شماره با حضور آقایان سید محمد آوینی، دکتر مرتضی اسعده، دکتر محمود سریع القلم، محمدعلی شعاعی، دکتر مهدی محسنیان راد، دکتر کاظم معتمد نژاد، دکتر احمد نقیبزاده و دکتر رضا داوری برگزار شده است.

دکتر داوری: چنان‌که همکاران گرامی مستحضرند، بحث این مجلس، ارتباطات و روابط بین الملل می‌باشد. مراد از روابط بین الملل چیست و چگونه این مسئله برای ما مطرح می‌شود و چرا مطرح شده است؟ چنان‌چه آقایان مایل باشند پس از پاسخ دادن به این پرسش‌ها باید به نظام روابط بین الملل در دنیای کنونی بپردازیم و ببینیم آیا کشوری می‌تواند خارج از روابط جایی داشته باشد؟ در ابتدا باید به اهمیت مسئله بپردازیم و ببینیم این مسئله در علوم انسانی از چه مقامی برخوردار است؟

دکتر نقیب‌زاده: بحث روابط بین الملل به عنوان یک رشته و موضوع تحصیلی، به نظر بحث جدیدی است و به سال‌های بعد از جنگ جهانی

داشتند. مدتی پس از آن مفهوم روابط بین‌الملل تا حدّی عوض شد، یعنی روابط بین دولت‌ها، به این اعتبار که دولت‌ها کارگزاران حاکمیت ملی و نمایندگان ملت‌های خود هستند، به روابط بین‌الملل تعییر شد. در حالی که تا این زمان، ملت‌ها به این اعتبار که رعایای سلطان هستند، به آن‌ها اهمیت داده می‌شد. این موضوع برای این‌که در عمل هم نمود پیدا کند باید مدت زمانی را طی می‌کرد. تحولات عمیقی که در قرن نوزده در اروپا اتفاق افتاده و عمدتاً به مبارزاتی مرتبط بود که برای استقرار دموکراسی انجام می‌شد، باعث شد که تا حدّی این ایده در عمل هم تحقق پیدا کند. در کنار این تحول ماهوی، و به برکت توسعه ارتباطات ما روز به روز شاهد شکل‌گیری یک نظام واقعی بین‌المللی بودیم. البته نظام همیشه وجود داشته است، اما اگر به تعریف نظام توجه کنیم، درمی‌باییم که مجموعه‌ای از عوامل بر روی یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند و مجموعه‌ای را پدید می‌آورند که کارکرد خاصی دارد؛ و این امر عمدتاً مربوط به دورانی است که امکانات مادی، یعنی توسعهٔ تکنولوژی امکان چنین ارتباطات متقابلی را به وجود آورده است. هر چه این ارتباطات بیشتر می‌شد، تأثیر مسائل بین‌المللی بر مسائل داخلی و یا بالعکس نیز افزایش می‌یافت.

بدین ترتیب عمدتاً از آغاز قرن نوزده حضور نظام بین‌المللی و سیاست بین‌الملل و ساختار نظام بین‌الملل را در زندگی داخلی ملت‌ها حس می‌کنیم. بنابراین تحولاتی که در داخل یک کشور رخ می‌دهد، صرفاً جنبهٔ داخلی پیدا نمی‌کند؛ برای مثال حادثه‌ای که در سال ۱۹۳۳ منجر به روی کار آمدن هیتلر شد، براساس نظر گذشتگان ممکن است یک حادثهٔ داخلی تلقی شود، اما امروزه متوجه آثار بین‌المللی آن نیز شده‌اند. بنابراین یکی از موضوعات هر جامعه‌ای، مسائل بین‌المللی و نظام

اول و عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم مربوط می‌شود. اما این موضوع یکی از قدیمی‌ترین موضوعات در رشتهٔ علوم سیاسی است. از هنگامی که بحث دولت مطرح شده، ارتباط بین ملت‌ها و دولت‌ها نیز در کنار آن مطرح بوده است. چگونگی این ارتباط هم مسئله‌ای بوده که هم فلسفه و هم واقعیات عینی را به مدد می‌طلبیده است، از این‌رو راجع به روابط بین‌الملل از دوران قدیم نظریاتی به‌طور پراکنده ارائه شده است. برای مثال تاریخ جنگ‌های پلوپونز که توسيید نوشته، یکی از بهترین و محکم‌ترین منابعی است که در این خصوص وجود دارد.

اما در طول تاریخ در عناصر حامل این روابط و به عبارتی در بازیگران این روابط تغییراتی به وجود آمده است. زمانی این روابط در خصوص روابط میان امپراطوری‌ها و برخورد تمدن‌ها مطرح می‌شد؛ به‌طور مثال روابطی که میان امپراطوری ایران و یونان باستان برقرار بود. همچنین عمدّه معاوضات و مبادلات سیاسی هم در قالب جنگ صورت می‌گرفته است و هر یک از کشورها و تمدن‌هایی که پیروز می‌شوند، حالت پیشوای و پیشگامی در روابط بین‌الملل پیدا می‌کردند و به دیگر سخن پرچمدار نشر تمدن بشری هم محسوب می‌شوند؛ مانند زمانی که ایران مجموعه‌ای از تمدن‌های کلده و آشور و بابل و غیره... بود. ایران در طی جنگ‌هایی که با یونانیان داشت، این رسالت را به یونانیان و سپس به رومیان سپرد و تا پایان قرون وسطی، روابط به همین شکل جریان داشت. بعد از پایان قرون وسطی، تحولاتی در عوامل نظام بین‌المللی به وجود می‌آید که آن تحولات، تولد دولت‌های ملی است که در حقیقت از فروپاشی امپراطوری و افول قدرت کلیسا ناشی شده است. این امر ناشی از دو مسئله بود. هنگامی که دولت‌های ملی تشکیل شدن، آن دولت‌ها در آغاز چندان ملی نبودند بلکه به قول فرانسویان دولت‌های شاهزاده‌ای نام

می‌باشند و طرف دیگر کلّیتی است که از این کنش‌های متقابل ایجاد شده و یک موجودیت مستقلّی را به وجود آورده‌اند که در این کلّیت بازیگر همه‌کاره نیست. قاعده عوض نشده اما درجه و میزان عوض شده است. این در حقیقت یک صیرورتی است که از یک نقطه ابتدایی شروع شده و به نقطه متكامل‌تری رسیده است، درست مثل جوامع ابتدایی و پیچیده امروز. در جوامع پیچیده امروز، در چارچوب قراردادها و روابط گسترده‌ای که در این جوامع وجود دارد، استقلال فردی به میزان قابل توجهی محدود شده است ولی در هر صورت نادیده هم گرفته نمی‌شود. بنابراین تشبیه، امروزه بازیگران در صحنه روابط بین‌الملل نادیده گرفته نمی‌شوند ولی حوزه عمل آن‌ها بسیار محدود است.

دکتر داوری: اگر این روابط را نخواهند، تکلیف آن‌ها چیست؟

دکتر نقیب‌زاده: آن‌ها نمی‌توانند که نپذیرند. امروزه روابط بین‌الملل در چارچوب روابط متنوع و پیچیده‌ای قرار دارد که بازیگران آن هم متعدد هستند و این ارتباطاتی که به وجود آمده است، از حیطه اختیار حکومت یا فرد خارج است و به طوری است که خود را برعیک کشور یا جامعه تحمل می‌کند. من معتقدم که عمدتاً تغییرات بین‌الملل ناشی از تغییرات زیربنایی و ژرف جوامع است، یعنی ابتدا در درون جامعه تغییراتی رخ می‌دهد و تحولاتی به وجود می‌آید. همین تحولات از طریق سیاست‌های خارجی بر روی روابط بین‌الملل هم تأثیر می‌گذارد. برای مثال در مورد تشکیل دولت‌های ملی باید گفت که شروع کار از تحولات درونی جوامع بوده است؛ یعنی ابتدا در بطن جامعه اروپایی رنسانسی رخ داده و تفکرات جدیدی به وجود آمده است و این تفکرات به تدریج بر روی سیاست

بین‌المللی و ساختار آن است، و گریزی از آن نیست و باید این مسئله به‌طور عینی مورد مطالعه قرار بگیرد، و چگونگی برخورد با آن مشخص شود.

دکتر داوری: آیا درست است بگوییم از قدیم روابط بوده و روابط تابع طرف‌های رابطه بوده است. یعنی این طرف‌های رابطه بوده‌اند که تکلیف رابطه و نسبت را معین و معلوم می‌کرده‌اند. ما در فلسفه چند نوع اضافه و نسبت داریم. یک نوع اضافه داریم که اضافه تابع دو طرف یا چند طرف نسبت است و یک نوع نسبت دیگر داریم که نسبت تکلیف دو طرف را معین می‌کند. با توجه به مطالب جانب‌عالی می‌توان گفت که در قدیم رابطه و نسبت بوده، اما دو طرف قدرت بوده‌اند که تکلیف نسبت را معین می‌کرده‌اند. آیا در دورهٔ جدید روابط بین‌الملل کمابیش نظم استقلالی دارد یعنی امری است که می‌تواند موضوع علم قرار بگیرد؟

دکتر نقیب‌زاده: شما به این مسئله بر مبنای بُعد فلسفی نگاه می‌کنید، اما بنده بنا به بُعد جامعه‌شناسی. در جامعه‌شناسی در سنت دورکیمی جامعه به عنوان یک کل Apriori و ما تقدم مطرح است که بر فرد سیطره پیدا می‌کند و فرد هیچ‌گونه استقلالی از خود ندارد. در کنار این مسئله، سنت زیمیلی را در پیش روی داریم که معتقد به نوعی کنش و واکنش متقابل است و جامعه را چیزی جز همین کنش‌های متقابل نمی‌داند. اگر این کنش‌ها از بین بروند، جامعه نیز وجود نخواهد داشت. در حالی که در پیش دورکیم این کل وجود داشته است و فرد جزء ناچیزی از این کل به حساب می‌آید. در هر دو نظریه مطرح شده از سوی دورکیم و زیمیل، بازیگران ممکن است که نقشی داشته باشند ولی تنها یک طرف قضیه

دکتر نقیب‌زاده: نخیر، من معتقد نیستم، اما تا مدامی که این لوی‌یتان بین‌المللی حکم‌فرما نشود، قانون، قانون جنگل است و در این قانون هم زور حکومت می‌کند، البته موارد جدیدی هم وجود دارد که این زور را تعديل نماید. البته تعریف قدرت و منابع آن هم عوض شده ولی محوریت آن از بین نرفته است و مثلاً استفاده از ابزارهای اقتصادی یا حقوق بشر هم می‌تواند کارساز باشد.

دکتر داوری: آقای دکتر سریع‌القلم نظر جناب عالی چیست؟

دکتر سریع‌القلم: سؤال از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول آن به این مسئله اشاره دارد که روابط بین‌الملل در دنیای کنونی بر چه مبنایی قرار دارد؟ من فکر می‌کنم اگر بخواهیم به مسائل جاری پردازیم، نقطه عطف آن فروپاشی شوروی باشد، یعنی باید بحث‌های جدیدی درباره تحولات چهار ساله اخیر ارائه بدھیم. عواقب فروپاشی شوروی در روابط بین‌الملل بسیار وسیع بوده و به مقبولیت قواعد و رفتارهای خاص در میان ملت‌ها و نخبگان سیاسی و فکری منجر شده است.

به‌واسطه تجربیاتی که بشر در قرن بیستم به دست آورد به‌نظر می‌رسد که به‌خصوص بعد از فروپاشی شوروی، می‌توان دو مبدأ برای روابط بین‌الملل قائل شد: ۱ - دستیابی به مازاد ملی، ۲ - ایجاد یک نظام اجتماعی کارآمد. بحث مازاد ملی و داشتن یک اقتصاد سالم و فراهم آوردن بدیهیات حیات اقتصادی برای عموم مردم، از مهمترین مسائل برای دولت‌ها و ملت‌ها محسوب می‌شود؛ به‌طوری که بسیاری از اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و حتی تاریخی ملت‌ها را نیز تحت شعاع قرار داده است. این مسئله به عنوان یک روند جهانی، در بلوک‌بندی‌های سیاسی

خارجی و ارتباطات جوامع هم اثر گذاشته است. به‌هرصورت اگر کسی بخواهد مانند یک زاحد گوش‌گیر زندگی کند، باید به یاد داشته باشد که در فراهم آوردن مایحتاج او از قبیل گرده نان و کاسه آب، صدها نفر دست داشته‌اند و اگر نمی‌توانست به آن‌ها دسترسی پیدا کند، ادامه زندگی هم برای او محال بود. افراد خواسته یا ناخواسته در یک شبکه ارتباطاتی قرار دارند؛ اگر فرد حالت افعال به خود بگیرد، وضعیت دیگری پیش می‌آید و اگر حالت فعال داشته باشد، وضعیت به گونه‌ای دیگر خواهد بود.

دکتر داوری: اکنون اردوی سوسياليست تقریباً از هم پاشیده و منقرض شده است. آیا فکر می‌کنید با از هم پاشیدن اتحادیه کمونیست، تحولی اساسی در وضعیت بین‌المللی و روابط بین‌الملل به وجود آمد؟

دکتر نقیب‌زاده: اگر مقصود شما این است که قوانین حاکم بر روابط بین‌الملل را عوض کرده، می‌توانم جواب منفی به سؤال شما بدهم، ولی اگر منظور شما این است که وضعیت روابط بین‌الملل را عوض کرده است، جواب مثبت می‌دهم. قانون همیشه این‌گونه بوده است که در جایی که یک حکومت جهانی وجود ندارد، آن‌که قدرتمند است، حرف اول را می‌زند و آن‌که امکانات عمل بیشتری دارد طبعاً از میدان عمل وسیع‌تری هم برخوردار است. این قانون همیشه بوده و هست مگر این‌که روزی یک حکومت جهانی شکل بگیرد. یعنی مدامی که نظریه هاپس، اعتبار خودش را حفظ کرده و قانون جنگل بر روابط بین‌الملل حکم‌فرماست و لوی‌یتان بین‌المللی به وجود نیامده است، قانون، قانون جنگل است.

دکتر داوری: یعنی شما معتقد به لوی‌یتان بین‌المللی هستید؟

ضرورتی است برای دستیابی به کمال نسبی. برای فهم متقابل و دستیابی به مواد خام و از همه مهمتر مسئله علم، همه به یکدیگر نیازمند هستند. من در این جا می‌خواهم دو نکته را به این بحث اضافه کنم. یکی آنکه من معتقدم شناخت معقول در اختیار همه است و در اختیار هیچ ملتی نیست. شناخت معقول در سطح بین‌المللی پخش است و زمینه را برای فراگیری ایجاد می‌کند. ملت‌ها برای فراگیری و کمال حتماً مجبورند که با هم معاشرت داشته باشند. در ادامه این بحث می‌توان گفت که حتی برای حفظ استقلال هم ارتباط حیاتی است. یعنی اگر ملتی تصمیم بگیرد که از حداقل سطح استقلال سیاسی و فرهنگی برخوردار باشد، برای ایجاد توازن و صیقل بخشیدن به اندیشه‌های خود نیاز به ارتباط دارد، زیرا تا زمانی که وجه مقایسه وجود نداشته باشد ملتی رشد نخواهد کرد. کلید رشد در ایجاد وجود مقایسه است. تفکر انسانی زمانی رشد پیدا می‌کند که در معرض اندیشه‌های رقیب و متضاد قرار گیرد. ملتی که علاقه‌مند به استقلال خودش می‌باشد، زمانی می‌تواند آن را نهادینه کند و به آن افتخار کند که بتواند آن را در معرض نقد و مواجهه و صیقل‌پذیری در سطح بین‌المللی قرار دهد. بنابراین، این انتخاب، یک انتخاب عقلی است و انسانی. روابط بین‌الملل فقط جنبه سیاسی ندارد بلکه جنبه‌های فرهنگی، فکری، انسانی، عاطفی و علمی هم دارد. ما خارج از مرزهای خود را نباید با نگاه سیاسی بنگریم البته هر نوع ارتباطی، عواقب و آثاری هم به دنبال خود دارد.

دکتر داوری: از مطالبی که فرمودند برمی‌آید که یک فرهنگ جهانی وجود دارد و این فرهنگ جهانی در ظاهر با فرهنگ‌های قومی و ملی متعارض به نظر می‌رسد. البته بین این فرهنگ‌جهانی و فرهنگ‌های ملی و قومی

مناطقی و ایجاد ائتلاف‌های جهانی نقش بسیار مؤثری دارد. اما در ارتباط با ایجاد یک نظام اجتماعی کارآمد، قبل از هر چیز باید تعریفی از آن ارائه داد. به بیانی هرگاه جامعه‌ای بتواند میان عنصر سیاست، اقتصاد و فرهنگ، یک ارتباط معقول و پایدار و نهادینه ایجاد کند، به یک نظام اجتماعی کارآمد دست یافته است. البته بسیاری از جوامع در گذشته نتوانسته‌اند به چنین موقوفیتی دست یابند و به دلیل پیچیدگی و چند‌بعدی بودن این کار، این نظام خیلی بعيد به نظر می‌رسد. به نظر من قرن آینده قرن تفکیک و تقسیم است، قرنی است که با تقسیم‌بندی‌های مهمی در دنیا مواجه خواهد شد. بنابراین مسائلی از قبیل سطح تولید، توان بهره‌برداری از تکنولوژی، رفتار بین‌المللی و توجه به تعهدات بین‌المللی را می‌توانیم از گذشته، مسئله بازار، روابط اقتصادی، تجارت و نوسازی اقتصادی مطرح شده است. گروه‌های مختلف اجتماعی بسیج شده‌اند تا بتوانند جامعه را به سوی تولید سوق دهنند و در مجموع یک فضای بهتری را برای زندگی عامه مردم ایجاد کنند.

قسمت دوم سؤال این است که آیا کشوری می‌تواند بیرون از این روابط زندگی کند؟ من فکر می‌کنم با توجه به معنای رایج کلمه، این کار شدنی است و یک ملت می‌تواند خود را منزوی ساخته و مرز آهنینی برای خود ایجاد کند و در قالب آنچه خود تصور می‌کند، زندگی کند. ولی سؤال اساسی در این بحث این است که آیا مطلوبیت عقلی وجود دارد که ملتی خود را از جریانات بین‌المللی جدا کند؟ من معتقدم که ارتباط، کمال بشری است و در انتخاب ملت‌ها نیست. همه علاقه‌مند هستند که رشد کرده و به کمال برسند، این بحث عموم بشری است. اگر بخواهیم از این جنبه به قضیه نگاه کنیم ارتباط با ملت‌ها و سازمان‌ها و دولت‌های دیگر

اقوام بشری و کشورهای مختلف، برای تصرف سرزمین‌ها و به دست آوردن غنایم با هم برخورد داشته‌اند و در این میان، اهداف هم مشخص بوده است. علی‌الامین مزروعی، محقق و متفکر آفریقایی، چند سال پیش در مجله «آلترناتیوуз» (Alternatives) چاپ هلنند مقاله‌ای نوشته بود که در آن بحث پیرامون نقش ارتباطات در سیاست خارجی کشورهای انگلوساکسون و تأثیر خاص آن کشورها بر جهان پرداخته بود. وی یادآوری کرده بود که از آغاز زندگی بشر تاکنون، سه کلمه به نام God، Gold و Glory در روابط بین‌المللی مطرح بوده است. اکنون کشورهای آنگلوساکسون برای گسترش پیروزی‌ها و افتخارات خود در سراسر جهان، علاوه بر دستیابی به «وسایل تولید اقتصادی» و «وسایل نظامی امحاء دسته‌جمعی» توانسته‌اند «وسایل تولید فرهنگی» و همچنین «وسایل ارتباطی» را نیز تحت کنترل درآورده‌اند. کسانی مانند ژاک آتالی (Jacques Attali) فرانسوی نیز به این‌گونه تعبیرات معتقد‌اند.

ژاک آتالی در یکی از کتاب‌های خود به نام سه جهان، تحولات تاریخ بشر را در قالب سه نظم خاص، شامل نظم آیینی (Ordre Rituel)، نظام امپراتوری (Ordre Imperial) و نظم تجاری (Ordre Marchand) مطرح می‌کند و یکی از عوامل اصلی گسترش نظم اخیر را پیشرفت ارتباطات معرفی می‌نماید. اگر به نظریات متفکران دیگر هم توجه کنیم، در می‌یابیم که اگوست کنت و ماکس وبر هم در همین مسیر قرار می‌گیرند. به طور کلی، اگرچه شرایط عوض شده ولی همیشه مورد دعوا (Enjeu) یا اقتصاد یا فرهنگ و یا هر دوی این‌ها بوده است. در شرایط کنونی، این عناصر کمی جایه‌جا شده است. در در دویست سال اخیر نقش ارتباطات اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در گذشته برای دستیابی به منابع اقتصادی و نفوذ در فرهنگ‌های دیگر از امکانات نظامی و به همراه آن از امکانات

ضرورتاً تعارض و جنگ و نزاع نیست بلکه ممکن است یک نوع دیالوگی بین فرهنگ قومی و ملی و فرهنگ جهانی باشد بدون این‌که در جریان این برخورد فرهنگ قومی نابود شود. آیا منظور شما را درست فهمیدم؟

دکتر سریع‌القلم: بله، همین‌طور است. به نظر من از مواجهه نباید هراس داشت. اگر در فرآیند مواجهه و در معرض اندیشه‌های متفاوت و متضاد قرار گرفتن، استحکام محلی وجود داشته باشد، منجر به رشد خواهد شد. بنابراین تقابل فرهنگی و ارتباطات فرهنگی چه بسا ضعف‌های یک فرهنگ قومی را بتواند روشن کند، مشروط به این‌که کسانی که متولیان فرهنگ بومی هستند، تعاریف و مفروضات روشنی از بستر فکری خود داشته باشند.

دکتر معتمد‌نژاد: به نظر من در این بحث باید جایگاه ارتباطات را مشخص تر کنیم و به کاربرد واژه‌ها و کلمات دقیق‌تری داشته باشیم. به همین دلیل فکر می‌کنم باید واژه‌های رابطه (Relation) و ارتباط (Communication) را جدا از یکدیگر و در زمینه‌های دقیق آن‌ها به کار ببریم. در مطالعات و تحقیقات روابط بین‌الملل به گمان بنده، در ایران به نقش ارتباطات کمتر توجه شده است. البته میراثی است که از گذشته باقی مانده است و ما باید این بی‌توجهی را جبران کنیم. روابط بین‌الملل، با وجود تحولات جهانی، معمولاً مبانی ثابتی دارد و عناصر اساسی آن تغییر نمی‌کند. ما در روابط بین‌الملل کنونی عناصر مختلفی داریم که بعضی از این عناصر، عناصر بین‌المللی هستند و بعضی دیگر که از اهمیت کمتری برخوردارند، تحول پیدا می‌کنند. زمینه اساسی مورد تعارض در روابط بین‌الملل از گذشته تاکنون اقتصاد و فرهنگ بوده است. همواره

به وجود آورد. بدین منظور با کوشش ایالات متحده، ماده نوزده اعلامیه جهانی حقوق بشر، براساس توجه منشور ملل متحد به منظور تأمین و حفظ و حراست حقوق اساسی فرد و حقوق بشر تدوین شد. در نخستین اجلاسیهٔ مجمع ملل متحد در سال ۱۹۴۶، به موجب قطعنامهٔ معروف شماره ۵۹ که به توصیهٔ آمریکا و تقاضای نمایندهٔ فیلیپین به تصویب رسید، قرار شد که در بهار ۱۹۴۸، سازمان ملل متحد یک کنفرانس بین‌المللی دربارهٔ آزادی اطلاعات در ژنو تشکیل دهد. زمینهٔ اصلی برگزاری این کنفرانس، قبلاً براساس فعالیتهایی که در داخل آمریکا در سال‌های آخر جنگ جهانی دوم صورت پذیرفته بود، آماده شده بود. به همین منظور هم کمیسیون معروف آزادی مطبوعات در دانشگاه شیکاگو در سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ تشکیل شد تا نگرش‌های جدیدی دربارهٔ آزادی اطلاعات مطرح کند. شرکت‌کنندگان در کمیسیون آزادی مطبوعات دانشگاه شیکاگو شامل گروهی از حقوق‌دانان، اقتصاددانان و متخصصان علوم سیاسی بودند، در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که شرایط دنیا به گونه‌ای تحول یافته است که نمی‌توان نظام آزادی‌گرایی اروپایی را در زمینهٔ آزادی مطبوعات اعمال کرد، زیرا به موجب این نظام، محدودیت‌های آزادی مطبوعات باید مورد کنترل قرار گیرند. در حالی که دولت‌ها قادر نیستند مانند گذشته بر روی مطبوعات نظارت داشته باشند و این روزنامه‌نگاران هستند که باید در مورد حرفةٔ خود و فعالیت‌های مربوط به مسائل ارتباط جمعی، نظارت کنند. بنابراین تنها از طریق اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری و اصول اخلاقی حاکم بر کاربرد همهٔ وسائل ارتباط جمعی، می‌توان فعالیت‌های ارتباطی را اداره کرد.

در مجموع، گزارش نهایی کمیسیون آزادی مطبوعات دانشگاه شیکاگو باعث شد که نظریهٔ معروف «مسئولیت اجتماعی وسائل

دیپلماسی استفاده می‌شد. هرگاه که صلح برقرار بود، دیپلماسی مورد استفاده بیشتری قرار می‌گرفت و هرگاه که جنگ درمی‌گرفت از نیروی نظامی بهره‌برداری می‌شد. در دورهٔ معاصر، امکانات ارتباطی و وسائل ارتباط جمعی اهمیت بیشتری پیدا کرده است، بهخصوص بعد از جنگ جهانی دوم، ارتباطات در کنار امکانات نظامی و امکانات دیپلماسی کاربرد بیشتری پیدا کرده و تأثیر عمیقی در روابط بین‌الملل به وجود آورده است. به همین دلیل، امروزه، در عین حال که وسائل ارتباط جمعی (مطبوعات، رادیو و تلویزیون، سینما)، خبرگزاری‌های بین‌المللی، امکانات فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌های جهانی ماهواره‌ای از عناصر مهم روابط بین‌الملل هستند و به عنوان واسطه‌های نیرومند پیام‌ها را منتقل می‌کنند، با وجود این خود نیز به این عنوان که در اقتصاد و فرهنگ و سیاست، نقش مهمی دارند، باید مورد توجه بیشتری واقع شوند.

متأسفانه، علی‌رغم اهمیت روزافزون ارتباطات در جهان معاصر، در ایران در مطالعات مربوط به امور سیاست خارجی و روابط بین‌المللی به این موضوع کمتر توجه می‌شود. به‌طور مثال اگر فعالیت‌های بسیار گستردهٔ منطقه‌ای و بین‌المللی وزارت امور خارجه را در زمینهٔ چاپ کتاب و مجله و تشکیل سمینارهای مختلف در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که هیچ‌گاه به اهمیت ارتباطات در روابط بین‌الملل توجه نشده است و این بی‌توجهی لطمات زیادی بر ما وارد خواهد کرد. باید یادآور شد که در پایان جنگ جهانی دوم، ایالات متحده آمریکا خود را آماده ساخت تا از عنصر فرهنگ در دیپلماسی خود استفاده کند و به همین جهت دیپلماسی فرهنگی مورد توجه خاص این دولت قرار گرفت. اساس دیپلماسی فرهنگی را «جریان آزاد اطلاعات»

عمومی یونسکو، دو ایراد به سیاست‌های بیست و چهار ساله سونسکو گرفته شد. یکی این‌که سیاست «جريان آزاد اطلاعات» باعث گشته که تنها کشورهای ثروتمند از این جریان بهره‌برداری کنند و به کمک آن در دنیا نفوذ خود را گسترش بدھند و از امکانات اقتصادی بیشتری بهره‌برداری کنند؛ اما برخلاف آن‌ها به دلیل آن‌که کشورهای فقیر این امکانات را نداشتند، نتوانستند از این جریان استفاده کنند. وزیر اطلاعات هند، در این اجلاسیه از طرف کشورهای جهان سوم، مسئله عدم تعادل اطلاعات را مطرح نمود و خواستار یافتن راه حلی برای این مسئله شد. در اجلاسیه مذکور، زمینه دیگری از فعالیت‌های یونسکو در مورد ارتباطات نیز عنوان شد. شرکت‌کنندگان در این اجلاسیه متذکر شدند که الگوهایی را که یونسکو برای کاربرد ارتباطات در توسعه مطرح کرده است، الگوهای خاص ناشی از تجربه غرب است و به همین دلیل نمی‌توان این الگوها را که به عنوان تنها الگوهای جهانی ارائه شده‌اند، پذیرفت، بنابراین، باید به دنبال الگوهای متناسب باشیم. همین مسئله باعث شد که «سیاست‌های ملی ارتباطی» نیز به دنبال سیاست‌های ملی فرهنگی، مطرح شود. این دو درخواست در اجلاسیه بعدی کنفرانس عمومی در سال ۱۹۷۲ عنوان شد. به همین جهت برای مقابله با آثار منفی «جريان آزاد اطلاعات»، اعلامیه مربوط به کاربرد ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت. بدین ترتیب، برای نخستین بار در مقابل «جريان آزاد اطلاعات» مبنی بر ماده نوزده اعلامیه جهانی حقوق بشر، محدودیت‌هایی برای جریان آزاد اطلاعات در نظر گرفته شد.

در اجلاسیه ۱۹۷۲ کنفرانس عمومی «یونسکو» همچنین مقرر شد که برای سیاست‌های ملی ارتباطی پیش‌بینی‌هایی انجام پذیرد. همین مسئله باعث شد مجموعه‌ای در این زمینه منتشر شود که تا اواسط دهه ۱۹۸۰

ارتباطی» مطرح شود. سپس براساس همین نظریات، در دهم دسامبر ۱۹۴۸ که اصل اعلامیه جهانی حقوق بشر، در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید، پیش‌نویس ماده نوزده که در ژنو تصویب شده بود به همان صورت مورد تصویب قرار گرفت و از همان زمان تا دهه ۱۹۷۰، اصل «جريان آزاد اطلاعات» بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر، اساس نظم جهانی ارتباطات و اطلاعات را تشکیل می‌داد. بعد از تصویب ماده مذکور، تحت تأثیر شرایطی که در جهان وجود داشت، سلطه مستقیم کشورهای سرمایه‌داری غربی بر جهان به تدریج از میان رفت. مدتی بعد، کشورهای جدید‌الاستقلال آفریقایی و آسیایی و آمریکای لاتین، با توجه به افزایش آراء آن‌ها، توانستند در سازمان ملل متحد تأثیر بگذارند و در اجلاسیه‌های کنفرانس عمومی «یونسکو» دکترین یا سیاست «جريان آزاد اطلاعات» را که شالوده آن، ماده نوزده اعلامیه جهانی حقوق بشر بود، مورد سؤال قرار دهند و خواستار توجه به «جريان آزاد و متعادل اطلاعات» شوند، به دنبال آن، در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۴ تحولاتی پیش آمد که استقرار «نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات» مورد خواست جهان سوم قرار گرفت و این خواست از حمایت تاکتیکی کشورهای سوسیالیستی نیز برخوردار شد. این امر، همان‌طور که می‌دانیم، باعث خروج ایالات متحده آمریکا و انگلستان از یونسکو شد و به تعارض شدید میان کشورهای غربی از یک طرف و جهان سوم از طرف دیگر منجر شد و چون کشورهای سوسیالیستی رو به بحران می‌رفتند، نتوانستند در این اواخر بعد از خروج آمریکا و انگلستان از یونسکو نقش مهمی در زمینه ارتباطات در «یونسکو» ایفا کنند.

برای شناخت بیشتر این تحولات، یادآوری‌های دقیق‌تری ضرورت می‌یابد. در سال ۱۹۷۰ برای نخستین بار در اجلاسیه شانزدهم کنفرانس

همان سال، در تکمیل اعلامیه مذکور، اعلامیه دیگری با عنوان «منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها»، مورد تصویب واقع شد و به موجب آن، کشورهای جهان سوم خواستار غرامت از کشورهای استعمارگر سابق بابت دوران استعمار گذشته شدند. تحولات بعدی در الجزایر، و نزولهای مکزیک و دیگر کشورها که نقش مهمی در اداره جنبش غیرمعهدها به عهده داشتند، باعث شد که جنبش معهدها نتواند به خوبی عمل کند. در این میان در همان زمانی که ایالت متحده از یونسکو خارج شد، چون نمی‌توانست به طور عادی سیاست جریان آزاد اطلاعات را ادامه دهد، با امکاناتی که از قبیل، مانند دهه ۱۹۴۰ فراهم کرده بود، مقدمات مقررات زدایی و خصوصی‌سازی و آزادسازی مالی و اقتصادی را در جهان فراهم ساخت. این امر از نظر ارتباطی دارای اهمیت بسیار است. در سال ۱۹۸۲، هنگامی که کمپانی عظیم «ای. تی. اند تی» (A. T. & T.) American Telephone and Telegraph انصصار گذشته را از دست داد و به هفت کمپانی تبدیل شد، جریان خصوصی‌سازی آغاز شد و به زودی بر آمریکای غربی و سایر جهان تأثیر گذاشت. در حال حاضر، زمینه فعالیت‌های فرهنگ و ارتباطات شدیدتر تحت تأثیر این جریان قرار گرفته است و به همین جهت، باید این مسیر هم مورد مطالعه قرار بگیرد.

دکتر داوری: اگر اجازه دهید به اصل قضیه برگردیم و سعی خواهیم کرد این تمیز بین ارتباطات و روابط را رعایت کنیم، گرچه این دو نمی‌توانند از هم منفک باشند و در هم تأثیر خواهند گذاشت. به عبارتی ارتباطات «Communications» که در لفظ و در ابتدا غیرسیاسی بوده، امروزه یک امر کاملاً سیاسی است. حتی به نظر من هنگامی که هابرماس، صاحب‌نظر آلمانی از نوع خاصی Communication صحبت می‌کند، آن هم قهراً جنبه

حدود ۲۵ جلد آن به چاپ رسیده بود. کنفرانس‌های منطقه‌ای نیز در نواحی مختلف دنیا برای پیشبرد سیاست‌های ملی ارتباطی تشکیل شد. به دنبال این کوشش‌ها، تقاضای برقراری «نظم جهانی نوین اطلاعات و ارتباطات» در کنفرانس عمومی «یونسکو» مطرح شد. به موازات آن، در اجلاسیه‌های کنفرانس سران کشورهای غیرمعهده هم در این زمینه اقداماتی صورت گرفت. تا این‌که بالاخره در سال ۱۹۷۶ در اجلاسیه سران غیرمعهده در سریلاتکا بر این امر تأکید گذاشته شد که نظم جهانی نوین اطلاعات و ارتباطات برقرار نخواهد شد مگر این‌که نظم بین‌المللی نوین اقتصاد هم به وجود بیاید. زیرا تا زمانی که شرایط اقتصادی فراهم نشود، این امر ممکن نخواهد بود.

به هر ترتیب، بعد از خروج ایالات متحده آمریکا از یونسکو در سال ۱۹۸۴، این سیاست رو به ضعف گذاشت، زیرا دولت شوروی تحت تأثیر شرایط بحرانی آن کشور، دیگر در این زمینه قادر به مداخله نبود. علاوه بر آن، کشورهای ذی‌نفوذ جهان سوم هم دچار بحران شدند؛ یوگسلاوی که در دگرگونی‌های مربوط به برنامه‌های اطلاعات و ارتباطات در «یونسکو» و سازمان جنبش غیرمعهدها تأثیر بسیار مهمی داشت، بعد از تیتو نتوانست همچون گذشته نقش ایفا کند. هندوستان هم به سبب تحولاتی که در آن پیش آمد و نیز به دلیل ترور خانم گاندی و پسرش، نقش گذشته را در جنبش کشورهای غیرمعهده از دست داد. الجزایر هم در زمان ریاست جمهوری بومدین بسیار مثبت عمل می‌کرد و مجمع عمومی ملل متحد تحت تأثیر تلاش‌های مثبت وی، اجلاسیه فوق العاده خود را در بهار سال ۱۹۷۴ دعوت نمود. در این اجلاسیه، در اوایل ماه مه ۱۹۷۴ اعلامیه معروف مربوط به برقراری «نظم بین‌المللی نوین اقتصادی» به تصویب رسید و به دنبال آن در اجلاسیه عادی مجمع عمومی ملل متحد، در پاییز

دکتر محسنیان راد: خوب، در آن صورت اشکال را مطرح می‌نمایند تا بحث شود. شما در خصوص مقوله فرهنگ جهانی در کنار مقوله فرهنگ ملی و قومی بحثی را مطرح نمودید، من تصوّر می‌کنم اگرچه این فرهنگ‌ها به شدت بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند اما باید میان فرهنگ مادی و معنوی تفاوت قائل بشویم و به این نکته برسیم که این اتفاقی که در حوزه ارتباطات بین‌الملل در حال وقوع است بیشتر در کدام‌یک از این دو حوزه فرهنگ تأثیر می‌گذارد.

دکتر داوری: آقای دکتر محسنیان راد، در مورد رابطه اول یعنی ارتباطات دولت‌ها - دولت‌ها مسئله روشن است، در باب دو رابطه بعدی لطفاً بیشتر توضیح بفرمایید.

دکتر محسنیان راد: من می‌بینم که در روزگاری بین دو کشور همسایه جنگ صورت می‌پذیرد بدون این‌که خواسته حداقل یکی از دو ملت و یکی از دو دولت باشد و در روزگاری در نمایشگاه غرفه برای یکدیگر می‌گذارند؛ ضمن این‌که اسرای این دو کشور هنوز درین‌ندو ملت‌های دو کشور مبهوت آسیب سهمگینی هم دیدند. این تصمیمات بیشتر در کجا شکل می‌پذیرد؟ در مواردی که رسانه‌ها بیشتر در کنترل دولت‌ها است و دولت‌ها از توانمندی‌های مالی و تکنولوژیکی خود برای توسعه پخش پیام برای جوامع دیگر یعنی همان اصل ارتباط، استفاده می‌کنند، یک نوع ارتباط ملت - دولت‌ها مطرح می‌شود. من از طریق ماهواره CNN در یک کشوری مثل ایران و پاکستان و یا در جایی دیگر در مقابل مجموعه پیام‌هایی قرار می‌گیرم که منشأ دولتی دارد. اما ارتباطات بین‌الملل آن است که میان ملت و ملت‌ها با مبادله ادبیات، رمان‌ها، شعر و... انجام می‌شود و

سیاسی پیدا می‌کند. سؤال من این است که آیا در دنیای امروز تنوع فرهنگی وجود دارد و آیا این عالم تنوع فرهنگی را می‌پذیرد؟

دکتر محسنیان راد: با توجه به فرمایشات دکتر معتمدی‌زاد که به تحول تاریخی مسئله اشاره کردند، من تصوّر می‌کنم که باید به تفاوت میان ارتباطات و روابط توجه کرد. علاوه بر این‌که میان روابط و ارتباطات تفاوت وجود دارد، موارد مشترک نیز دیده می‌شود. در این‌جا بندۀ قصد دارم بیشتر به تفاوت‌ها بپردازم تا مشابهت‌ها. در روابط و ارتباطات مبادله را می‌توان یافت اما این مبادلات در روابط می‌تواند مبادله اقتصادی یا تکنولوژی یا حمایت‌های نظامی باشد، در حالی‌که در ارتباطات، مبادله پیام مطرح است. به‌نظر من وقتی با این دید به مسئله می‌نگریم، بهتر است که از روابط بین دول صحبت کنیم.

دکتر داوری: مراد شما همان روابط بین‌الملل است؟

دکتر محسنیان راد: خیر، بلکه بر عکس من احساس می‌کنم با سه گونه بحث مواجه شده‌ایم: بحث روابط دولت‌ها - دولت‌ها و بحث ارتباطات دولت‌ها - ملت‌ها و بحث روابط ملت‌ها - ملت‌ها. آنچه که شما در حال حاضر نگران آن هستید ارتباطات دولت‌ها - ملت‌ها و ارتباطات ملت‌ها - ملت‌ها می‌باشد. نه روابط ملت‌ها - ملت‌ها یا از دید استاد محترم علوم سیاسی «روابط بین‌الملل».

دکتر داوری: اگر کسی چون و چرایی در نظر جناب عالی داشته باشد، در پاسخ او چه توضیحی می‌فرمایید؟

دکتر داوری: امکانات گزینش با توان گزینش تفاوت دارد. اگر منظور امکان‌های گزینش باشد جای انکار ندارد. هر روز چیزهای نو پدید می‌آید و دامنه انتخاب و اختیار بیشتر می‌شود اما چه بسا که این گزینش‌ها انفعالی باشد. آیا جناب عالی بین امکان و توان گزینش فرق می‌گذارد یا نه؟

دکتر محسنيان راد: بله من بین این دو فرق می‌گذارم. من فعلًاً روی افزایش امکان گزینش بحث می‌کنم. وقتی امکان گزینش افزایش می‌یابد و بازار پیام تحت تأثیر تنوع، فرصت کسب آگاهی‌های جدید را برای انسان به وجود می‌آورد، گاهی پیش می‌آید که این امر مطلوب اقتدار حکومت‌ها واقع نمی‌شود اما من می‌بینم که کنترل این امر هم در حال کاهش است. تحول دیگری که در حال وقوع است این است که نوعی سلطه ارتباطی در درون این جوامع وجود داشته که آن سلطه ارتباطی هم در حال تغییر می‌باشد و در نتیجه با توجه به جبر و اختیاری که مطرح شد، در افزایش ارتباطات بین‌الملل در یک شرایط جبری به سر می‌بریم.

دکتر داوری: جبر با اکراه همراه است. یک وقت است که کسی سعی می‌کند چیزی را به ما تحمیل کند که نمی‌خواهیم آن را بپذیریم ولی در عین حال ناچاریم که آن را بپذیریم. یکوقتی هم می‌گوییم فلاں امر ایجابی است. ببخشید چون من دانشجوی فلسفه هستم در الفاظ بحث می‌کنم. جبر وقتی است که من آگاه به کاری هستم که باید انجام بدهم ولی نمی‌خواهم آن را انجام دهم و ناچار باید انجام بدهم. یکوقت هم من به حکم ضرورت و ایجاب، و طبق موجبیت کاری را انجام می‌دهم؛ در این صورت اصطلاحاً مجبور نیستم.

به نظر من هر چه که زمان می‌گذرد کنترل ارتباطات ملت - ملت از سوی دولت‌ها دشوارتر می‌شود.

دکتر داوری: بسیاری از ملت‌ها زبان مشترک دارند و حتی فرهنگ‌شان نیز یکی شده است.

دکتر محسنيان راد: درست می‌فرمایید ولی الزاماً نباید این‌گونه نگاه کنیم. من تنها ادبیات را مثال زدم. الان تکنولوژی ارتباطات به گونه‌ای شده است که شما از پاریس می‌توانید یک نوار ویدیویی را برای من از طریق تلفن بفرستید و من آن را در تهران بدون هیچ‌گونه کنترلی از سوی دولت ضبط کنم. منظور بمنه در مورد ارتباطات ملت - ملت دقیقاً همین است. در حال حاضر اتفاقاتی در جهان به وقوع می‌یابند و در شرایطی قرار می‌گیریم که در نتیجه این تفکیکی که بمنه در خصوص روابط بین دول، ارتباطات دولت - ملت و ارتباطات ملل عرض کردم معنا پیدا می‌کند.

من تصوّر می‌کنم که در شرایط حاضر گاهی ارتباطات ملل با منافع دولت‌ها هماهنگ نیست. به نظر من یکی از اثرات توسعه امکان ارتباطات ملت - ملت که تحت تأثیر تحولات تکنولوژیکی فراهم شده این است که بازار خرید پیام در دنیا گسترش یافته است و به تبع آن بازار مصرف پیام نیز در حال بسط و توسعه است. وقتی که بازار مصرف پیام توسعه پیدا کرد توان گزینش فرد نیز افزایش می‌یابد.

دکتر داوری: واقعاً فکر می‌کنید که قدرت گزینش مردم بیشتر شود؟

دکتر محسنيان راد: بمنه این طور تصوّر می‌کنم.